

خوشا به حال آقای خامنه‌ای!

درباره باور و نگاه امیدوارانه‌ای که شهید بهشتی به شهید آیت‌الله خامنه‌ای داشت بر مبنای اسناد و خاطرات به جامانده از آن دوره

گروه تاریخ و هویت| در تاریخ معاصر ایران، رابطه شهیدان آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای از عمیق‌ترین پیوندهای سیاسی و اعتقادی بود. این دو شخصیت برجسته،ازسال‌های‌آغازین‌نهضت‌اسلامی تا پیروزی انقلاب و تأسیس حزب جمهوری اسلامی، در کنار یکدیگر برای استقرار نظام اسلامی تلاش کردند.همکاری آنان درمجلس خبرگان قانون اساسی و شورای عالی قضایی، نشان دهنده اعتماد متقابل و هم‌اندیشی عمیق آنان در اصول بنیادین انقلاب بود. حجت الاسلام و المسلمین سید محسن موسوی فرد (کاشانی) از اعضای حزب جمهوری اسلامی، گوشه‌ای از این اعتماد و دوستی را در کتاب خاطراتش روایت کرده است. اومی‌گوید: «جلسات شاخه روحانیت مبارز حزب (شاخه‌ای که ما تشکیل داده بودیم) به طور بسیار هر بار در منزل یکی از اعضا برگزار می‌شد. منزل دکتر بهشتی، دکتر روحانی، آقای ناطق، آقای باهنر و بنده. بعد از برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری، دکتر بهشتی اعضای هر دو شاخه مجمع

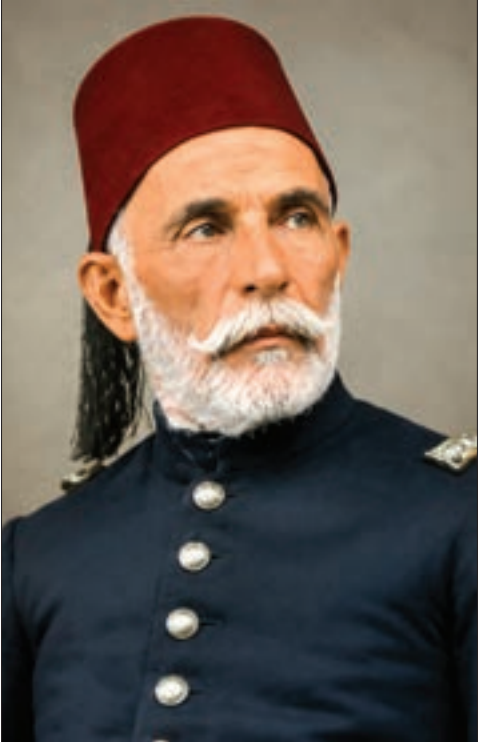
دیگر قبل از شهادتش و در آخرین جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری بیان می‌کند. این جلسه در دو بخش و درست یک روز بعد از ترور آیت‌الله خامنه‌ای برگزار می‌شود و مرحوم حبیب‌الله عسکروالادی، از اعضای شورای مرکزی حزب که در بخش نخست جلسه (قبل از انفجار دفتر حزب) حضور داشته، چنین روایت کرده است: «در آخرین



جلسه شورای مرکزی، از بیمارستان خبر آوردند که الحمدلله حال آقای خامنه‌ای رو به بهبود است. بعد از امام پیامی را برای ایشان فرستادند. پیام در جلسه شورای مرکزی خوانده شد. من کنار میز کوچکی که

ناشنیده‌هایی از تکاپوهای اطلاعاتی عثمانی‌ها در مشهد طی جنگ جهانی اول

جاسوس بازی در محله سراب



تصویری از عمر فوزی که با هوش مصنوعی ویرایش شده است



قوشجو باشی در میان افسران اطلاعاتی ترک

مرضیه تزاری ا جنگ جهانی اول، روز ششم مرداد سال ۱۲۹۳ خورشیدی آغاز شد و بعد از ۱۵۶۸روز، در ۲۰آبان سال ۱۲۹۷ خورشیدی به پایان رسید، جنگی عالمگیر که حدود ۴۰میلیون انسان را به کرم مرگ فرستاد. قحطی فراگیر و بیماری‌های همه‌گیر جان میلیون‌ها انسان را گرفت و پس از پایان جنگ نیز شیوع بیماری آنفلوآنزای اسپانیایی در جهان، صدها هزار انسان را به ورطه نیستی کشاند. در دو سوی میدان نبرد، «متحدین (متشکل از آلمان، عثمانی، اتریش و چند کشور دیگر)» و «متفقین (متشکل از انگلیس، روسیه، آمریکا و چند کشور دیگر)» قرار داشتند. در این بین، تعدادی کشور مانند ایران نیز اعلام بی‌طرفی کردند اما به این جهت‌گیری آن‌ها به دلیل ضعف شدید حاکمیت، توجهی نشد. به این ترتیب، ایران که پیش از شروع جنگ به دو منطقه نفوذ میان روسیه تزاری (در شمال) و انگلیس (در جنوب) تقسیم شده بود، به عرصه کشمکش‌های خونین میان دو طرف جنگ تبدیل شد. ارتش عثمانی بی‌محابا به غرب ایران هجوم آورد و با همراهی مستشاران آلمانی به دنبال ضربه‌زدن به حوزه نفوذ انگلیس و روسیه تزاری در ایران بود اما شکست وحشتناک عثمانی هادر نبرد سرنوشت‌ساز «ساری قامیش»، در دی ماه سال ۱۲۹۳ خورشیدی، جایی در قفقاز و نزدیک به مرزهای ایران، با بیش از۴هزار کشته، باعث شد که آن‌ها ناچار به عقب‌نشینی شوند. در این نبرد، ارتش سوم عثمانی به کلی منهدم شد. در همین زمان بود که سازمان اطلاعات امپراتوری عثمانی، موسوم به «تشکیلات مخصوصه» به فکر اعزام جاسوس به داخل خاک ایران و برانگیختن مسلمانان منطقه علیه نیروهای اروپایی افتاد. عثمانی‌ها با چنین رویکردی، «عُمَر فوزی»، یک افسر اطلاعاتی زبده را به تهران فرستادند و او مأمور شد با جریان‌های فعال حاضر در ایران که با روسیه تزاری در نبرد هستند، ارتباط بگیرد. یکی از این جریان‌ها، جریان میرزا کوچک خان و نهضت جنگل بود. حوزه فعالیت فوزی به تدریج گسترش یافت و او به ظاهر با پیشنهاد مأموران اطلاعاتی آلمان، هرات را به عنوان دومین پایگاه فعالیت عثمانی‌ها در منطقه تعیین کرد ولی از آنجا که کار در هرات با توجه به تسلط انگلیسی‌ها با موانعی روبه‌رو بود، مأموران عثمانی به‌ناچار سر از مشهد درآوردند.

پیش از آن، عثمانی همواره دشمن شماره یک ایران بود و هر گاه قدرتی می‌یافت، مرزهای غربی کشور درمی‌نوردید.اسلامبول در تحریک ازبک‌ها برای هجوم به مرزهای خراسان تردید نمی‌کردند و اخبار آزار و اذیت زائران عتبات عراق و اماکن مقدسه حجاز، نو به نو در دسترس مردم قرار می‌گرفت و آن‌ها را از حکومت عثمانی بیزار می‌کرد.گزارش مأمور عثمانی به سفارت این کشور در تهران طی این دوره، نشان می‌دهد که علمای مشهد دست عثمانی‌ها را خوانده بودند و اجازه همکاری با آن‌ها را، با وجود تکاپوی دموکرات‌ها و حتی تمایل ناپید اولیه وقت آستان قدس رضوی، نمی‌دادند. طبق گزارش مأموران مستقر در مشهد، آیت…سیدعلی سیستانی(جد آیت…الغلمی سیستانی)، به‌عنوان یکی از فقها و مراجع پرطرف‌دار آن روزگار شهر، تحرکات عثمانی‌ها را

آقای بهشتی در جلسه شورای مرکزی پشت آن می‌نشست، نشست‌ه بودم. گفتند، «خوشا به حال آقای خامنه‌ای! اگر ایشان بماند، این پیام برایش افتخار است. اگر از این دنیا برود، برگه افتخاری است که ولی فقیه درباره انسان چنین چیزی را بگوید. ای کاش من هم بتوانم با چنین گذرنامه‌ای وارد قیامت شوم. این جمله را به چند نفری که دور میز بودیم می‌گفتند.»این باور البته سابقه‌ای قدیمی‌تر دارد.

در اسناد سال ۱۳۵۲ساواک گزارشی هست که نظر شهید بهشتی درمورد آیت… خامنه‌ای را بازگو می‌کند. این گزارش با موضوع «دکتر سیدمحمد بهشتی» مربوط است به ۲۱مرداد۱۳۵۲ و روزهایی که او در مشهد حضور داشته و می‌گوید: «یاد شده(دکتر بهشتی) ضمن تعریف و تمجید از خامنه‌ای، اظهار امیدواری نموده که در آینده خامنه‌ای یکی از علمای موجه ملی و با نفوذ خواهد شد. ضمناً نامبرده روز ۵/ ۵/ ۵۲ با اتومبیل شخصی به اتفاق خانواده‌اش مشهد را به قصد تهران ترک کرده است.

نظریه شنبه: دکتر سید محمد بهشتی در مشهد با سیدعلی خامنه‌ای رابطه بسیار نزدیک داشت و از افکار او بسیار تعجید و تحسین می‌کرد.

منبع: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی



مردم تکاپوهای اطلاعاتی مأموران «تشکیلات مخصوصه» را به هیچ گرفتند.

- پایان کار

در ماه‌های پایانی جنگ جهانی اول، به ویژه در سپتامبر سال۱۹۱۸ میلادی (شهریور ۱۲۹۷خورشیدی)، عثمانی‌ها تقریباً بر قفقاز مسلط شده بودند. سقوط امپراتوری تزاری (به دلیل وقوع انقلاب سال ۱۹۱۷میلادی) و روی کار آمدن جریان چپ‌گرا در روسیه، فرصتی استثنایی در اختیار اسلامبول گذاشت تا به بلندپروازی‌هایش در این منطقه جامه عمل بپوشاند.

هم‌زمان تبلیغات گسترده‌ای هم در دیگر نقاط و از جمله در مشهد انجام می‌شد؛ اما ایران درگیر قحطی بزرگ، به دلایلی که مورد بررسی قرار دادیم، باز هم نمی‌توانست به پیشنهاد همکاری عثمانی‌ها روی خوش نشان بدهد و نشان هم نداد. عثمانی‌ها که به‌شدت در جبهه غرب تحت فشار نیروهای متفقین قرار داشتند، ناچار قفقاز و سیاست‌های اطلاعاتی در ایران را رها کردند و متوجه هجوم انگلیس و فرانسه در شمال آفریقا و شامات شدند. به این ترتیب، سیاست منطقه‌ای «تشکیلات مخصوصه» با شکست روبه‌رو شد و تکاپوهای مأموران اطلاعاتی عثمانی در مشهد نیز راه به جایی نبرد. حدود دو سال بعد، امپراتوری عثمانی با امضای معاهده «سیوره» (به فرانسه: Sevres)، عملاً راه به سوی نیستی و نابودی سپرده، محمد ششم، آخرین امپراتور عثمانی، گوریه، عراق، لبنان، فلسطین، شبه جزیره عربستان، منطقه ازمیر در غرب آناتولی و چند نقطه دیگر را رسماً واگذار کرد و تنگه‌های راهبردی بسفر و داردانل (که دریای مدیترانه را به دریای سیاه متصل می‌کرد) غیرنظامی و بین‌المللی اعلام شد.

معاهده سور، مبنای تأسیس کشورهای جدید با نظارت اقیومیت) انگلیس و فرانسه در غرب آسیا بود و جغرافیای سیاسی منطقه را به کلی تغییر داد. حدود چهار سال بعد، روز ۱۰آبان سال ۱۳۰۱ خورشیدی، چراغ حیات امپراتوری عثمانی به خاموشی گرایید و عمر ۶۳ساله آن به پایان رسید. به این ترتیب تکاپوهای اطلاعاتی مأموران «تشکیلات مخصوصه» نیز در مشهد و در دیگر نقاط ایران نافرجام ماند.



آقای شهید ایران



ايشته
۱۴ سپر ۱۴۵۵
۲۰ محرم ۱۳۸۸
شماره: ۳۹۹



تاریخ و هویت

اخبار

قدیمی

اتفاقی که حدود۹۵سال پیش افتاده‌است

فروش سکه‌های دزدی در حرم مطهر!



تصویری از صحن عتیق و حجره‌هایش در دوره پهلوی

گروه تاریخ و هویت| امروزه در حرم و تا چند ده متر بیرون از صحن‌ها هیچ مغازه یا فروشگاه‌هی وجود ندارد اما در گذشته در صحن کهنه و همه اطراف حرم مملو از مغازه و بازارهای مختلفی بود که اکنون در ذهن موسپیدکرده‌های مشهد تنها نامی از آن‌ها باقی مانده است مثل بازار زنجیر، سنگ‌تراش‌ها، بازار ساعت و وزیرنظام. در مسیر منتهی به صحن عتیق و داخل خود صحن هم حجره‌های طلافروشی و کتاب‌فروشی بی‌شمار بوده است برای همین خیلی پیش می‌آمده که سارقی بخواهد جنسی را به این مکان آورده و به‌اصطلاح آب کند. در یکی از این سرق‌ت‌ها که روزنامه بهار آن را در نیمه مهرماه سال ۱۳۰۹ چاپ و منتشر کرده، مردی بیست وهفت‌ساله پس از دزدیدن پنج سکه طلا، آن را به صحن کهنه می‌برد تا بفروشد اما یکی از دربانان حرم مطهر او را می‌بیند و ماجرا به محکمه قضایی می‌کشد. این جریده می‌نویسد: «سیفا… پسر جعفرقلی ۲۷ساله، ۵ عدد سکه طلا در صحن مطهر به یکی از صراف‌ها می‌خواسته بفروشد، رمضان دربان به مشارالیه مظنون شده و او را جلب می‌نماید ولی سیفا… موقع دستگیرشدن سکه‌های طلا را می‌خورد. او را به کمیساریای ناحیه مربوطه برده و راپورت قضیه را می‌دهند.» آن‌طور که روزنامه بهار نوشته، در کمیساری دزد زیر بار قورت دادن سکه‌ها نمی‌رود ولی در نهایت وقتی یکی از بازجوها دست در دهان او می‌کند تا سکه‌ها را بالا بیاورد، لب به اعتراف باز می‌کند و می‌گوید که سکه‌ها را از یک زیارت‌نامه خوان دزدیده است: «مشارالیه ابتدا منکر قضیه می‌شود ولی بالاخره اقرار می‌کند که شبانه از منزل سید حسین زیارت‌نامه خوان مقداری اثنائه و لباس و ساعت و وجه نقد سرق‌ت کرده و لباس‌ها را در خارج شهر به فروش رسانیده است. همچنین در حین استنطاق معلوم می‌شود که وجه مسروق ۶۵۵قران بوده است. اداره نظمیّه پس از استنطاقات لازمه و تشکیل دوسیه متهم راتسلیم پارکه عدلیه می‌نماید و قرار توقیف مشارالیه صادر می‌گردد.»

در ادامه زیارت‌نامه‌خوان یا همان دزد زده به کمیساری دعوت می‌شود تا در حضور او، نسبت به حکم دزد رسیدگی شود؛ آقای ریاحی کفیل پارکه بدایت استنادات به اعتراف متهم را مشمول ماده ۲۲۶ قانون مجازات عمومی دیده از محکمه طبق مقررات منکوره تقاضای صدور حکم مجازات متهم را می‌نماید. در ضمن جریان قضیه سید حسین زیارت‌نامه‌خوان پسر مرحوم میرزا علی، عرض حالی به‌عنوان مدعی خصوصی تنظیم کرده و مبلغ هفتاد و یک تومان و پنج قران قیمت اشیاء مسروقه و وجه نقد را از متهم مطالبه نموده است. محکمه نیز روز دوشنبه ۷مهر۱۳۰۹ تشکیل و پس از تحقیقات لازمه چنین رأی می‌دهد: چون متهم در مراحل تحقیقه و محضر صریحاً به ارتکاب جرم منتسب اعتراف نموده و دلایل موجوده در دوسیه هم موید صحت آن است و نسبت به دعوی خصوصی از حیث میزان اشیاء مسروقه و قیمت آن هم اعتراضی نکرده، بنابراین مشارالیه مجرم و عمل وی با ماده ۲۲۶ قانون مجازات عمومی منطبق و بالتئیجه سیفا… پسر جعفرقلی رابه شش ماه حبس تادیبی و تادیه مبلغ هفتاد و یک تومان و پنج قران از بابت اشیاء مسروقه و وجه نقد در وجه میرزا حسین زیارت‌نامه‌خوان محکوم می‌نماید.»

تاریخ

نگار

درباره‌نخستین کتاب انگلیسی‌زبان باموضوع ایران

تاریخ کامل ایران



گروه تاریخ و هویت| سرلشکر سر جان ملُکَم، افسر اسکاتلندی و سیاست‌مداری بود که در اوایل قرن ۱۹میلادی بارها از سوی کمپانی هند شرقی برای عقد توافق‌نامه‌های سیاسی و بازرگانی به دربار قاجار فرستاده شد. ملکم در واقع طراح و مدیر قراردادهای ایران در زمان فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه و عامل اصلی جداسازی افغانستان از ایران بود. او تعدادی از جزایر جنوبی ایران را به اشغال درآورد و به پایگاه نظامی تبدیل کرد. دیدارهای این مأمور سیاسی دولت انگلستان از ایران، مصادف با تصمیم ناپلئون مبنی بر محاصره دریایی و تحریم اقتصادی انگلستان و قطع دست آن از سایر کشورها بود و اعزام نژرال گاردان و افسران و مأموران سیاسی دیگر از فرانسه به ایران عمدتاً با هدف برخورد با انگلستان بود. به علاوه، این دیدارها هم‌زمان با نخستین جنگ روسیه با ایران بود که در سال ۱۸۰۳ میلادی (۱۱۸۱ خورشیدی) آغاز شد. گفته می‌شود سبب زمینیی را او به ایرانیان معرفی کرده است.

اما این مأمور اسکاتلندی در حین مأموریت‌هایش دست به نوشتن تاریخ ایران می‌زند و بعدها آن را در قالب کتابی با عنوان «تاریخ کامل ایران» چاپ و منتشر می‌کند. جالب است بدانید کتاب او نخستین کتاب تاریخی انگلیسی است که مستقیماً بر مبنای منابع ایرانی نگاشته است. کتاب «تاریخ کامل ایران» در واقع

اثری تحقیقی در تاریخ عمومی ایران است که شامل اطلاعات درباره حدود و جغرافیای ایران، حکام و سلاطین آن (از پادشاهان قبل از کیومرث تا زندیه و قاجاریه)، عرب‌ها و شبه جزیره عربستان، آثار باستانی، آداب و رسوم، وضعیت اقتصادی، مذهب، علوم و هنر، طبقات اجتماعی و… در ایران است. این اثر در سال ۱۸۱۵ میلادی (۱۱۹۳ خورشیدی) به زبان انگلیسی تألیف و در حدود ۹۴سال بعد، یعنی در سال ۱۳۸۷ خورشیدی توسط میرزا اسماعیل حیرت، به فارسی ترجمه شده است. جالب است بدانید فرایند چاپ این کتاب هزار صفحه‌ای حدود دو سال طول می‌کشد.

